

## رهیافت تأویلی به آیه شریفه «وَفَدَيْنَاهُ بِذِبْحٍ عَظِيمٍ»

### با عنایت به اصطلاح عظیم در قرآن

سید حسن قاضوی\*

سید امین قاضوی\*\*

#### چکیده

غالب مفسران شیعه و اهل سنت در آیه «وَفَدَيْنَاهُ بِذِبْحٍ عَظِيمٍ» گفته‌اند که مراد از «ذبح عظیم»، «کبش» «قوچ» است و از آن جایی که در قرآن وصف عظیم در چند مورد بیشتر به کار برده نشده است؛ برای خدا «رَبُّكُمْ عَظِيمٌ»، برای قیامت «بَأَنَّ عَظِيمٌ»، برای عرش خدا «الْعَرْشُ الْعَظِيمُ» و سرانجام برای اخلاق پیامبر اسلام ﷺ «خُلُقٌ عَظِيمٌ» به کار رفته است. به نظر می‌رسد برخی از عالمان و مفسران با چنین پرسشی در ذهن خود مواجه شده‌اند که چگونه قربانی کردن گوسفند، ذبح عظیم است؟ از این‌رو، تأویلات گوناگونی را بر اساس روایات ذکر نموده‌اند. در این پژوهش تلاش شده است به روش تحلیلی ضمن بررسی اصل مسئله، مراد اصلی «ذبح عظیم» تبیین گردد. بر اساس روایت پیامبر گرامی اسلام (ص) که می‌فرماید: «أَنَا مَنْ حَسِينٌ» با توجه به قبول امام حسین علیه السلام در عالم ذر، ایشان آن قربانی عظیم است.

#### واژگان کلیدی

ذبح عظیم، حضرت ابراهیم علیه السلام، حضرت اسماعیل علیه السلام، امام حسین علیه السلام.

shghazavi@ut.ac.ir  
aminghazavi@yahoo.com  
تاریخ پذیرش: ۹۷/۷/۱۲

\*. استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول).

\*\*. طلبه حوزه علمیه قم.

تاریخ دریافت: ۹۶/۱۱/۱۶

### طرح مسئله

آزمون‌های عادی برای به دست آوردن شایستگی‌های افراد صورت می‌گیرد، در حالی که آزمون‌های الهی برای اهداف دیگری است. خدای متعال از وضع بندگان در گذشته و آینده و پایه لیاقت و شایستگی آنان کاملاً آکاه است، از این‌رو برای امتحان او، انگیزه یا انگیزه‌های دیگری وجود دارد که یکی از آنها، رسانیدن بندگان قابل و شایسته به مراحلی از کمال است، تا شایستگی‌هایی که به صورت قوه و توان در نهاد بندگان است به حد فعلیت برسد. اخلاص و فداکاری در حسین بن علی<sup>علیه السلام</sup> و جد اعلای او ابراهیم خلیل<sup>علیه السلام</sup> به صورت قوه و قابلیت وجود داشت، ولی این توان از طریق جانفشانی امام حسین<sup>علیه السلام</sup> در دادن تمام هستی خود و خاندانش در راه خدا و آمادگی حضرت ابراهیم<sup>علیه السلام</sup> برای ذبح فرزند دلبند خود، به خاطر امر خدا به عالی‌ترین درجه فعلیت رسید و از این طریق آن دو بزرگوار، اخلاص خود را نسبت به فرمان خدا به منصه ظهور رسانندند.

تبیین مفهوم فرمایش پیامبر اکرم<sup>علیه السلام</sup> که فرمود: «وجود من به برکت وجود امام حسین<sup>علیه السلام</sup> است» در روایت «حسین مرنی و آن من حسین»، با توجه به تأویل و رابطه وثیق آن با بطن آیه ۱۰۷ سوره صافات «وَفَدَيْنَاهُ بِذِبْحٍ عَظِيمٍ» در جریان ذبح حضرت اسماعیل<sup>علیه السلام</sup>، بیان‌کننده قبول امام حسین<sup>علیه السلام</sup> برای قربانی شدن به جای جد بزرگوارش حضرت اسماعیل<sup>علیه السلام</sup> در مسیر احیای مکتب پدر بزرگ گرامی‌اش در کربلا در عالم ذر است. این امر اخلاص و فداکاری حسین بن علی<sup>علیه السلام</sup> و جد اعلای او ابراهیم خلیل<sup>علیه السلام</sup> را در امتحان الهی تأیید می‌نماید.

### الف) پیشینه

در پژوهش‌های معاصر و تفاسیر موجود شیعه و اهل سنت در خصوص مراد از «ذبح عظیم» در آیه «وَفَدَيْنَاهُ بِذِبْحٍ عَظِيمٍ» (صفات / ۱۰۷) گفتگوهای فراوانی صورت پذیرفته است؛ از قبیل: گوسفند مورد قبول خدا بود؛ موجب برکت بود؛ از بهشت آمده و جنه‌ای عظیم داشت؛ همان گوسفندی بود که هایل قربانی کرده بود؛ در بهشت نگهداری می‌شد تا فدای اسماعیل شود؛ چون از ناحیه خدا آمد و خدای تعالی آن را عوض اسماعیل قرار داد، عظمت داشت؛ آن گوسفند چهل پاییز در بهشت بوده و به خوبی پروار شده بود، از این‌رو خدا واژه «عظیم» را برای او به کار برده است؛ گوسفند ویژه‌ای بود نه از نسل گوسفندانی دیگر؛ چون این ذبح به امر الهی است «عظیم» نامیده شده است؛ عظمت آن قربانی به خاطر این است که برای حجاج یک سنت همیشگی شده؛ زیرا هر شخص حاجی در روز عید قربان موظف است، یک گوسفند در قربانگاه (منا) قربانی کند و با گذشت زمان سال‌به‌سال وسعت بیشتری یافته و این سنت بزرگ

تا قیامت ادامه خواهد داشت، ولی هیچ مانع ندارد که تمام این جهات در ذبح عظیم جمع و از دیدگاه‌های مختلف دارای عظمت باشد.

در این میان تفسیر الصافی محمد محسن فیض کاشانی (م ۱۰۹۱) نخستین تفسیر روایی شیعه است که بر اساس روایتی از امام رضا<sup>ع</sup> مراد از «ذبح عظیم» در آیه مذکور را حضرت امام حسین<sup>ع</sup> دانسته که جانشین ذبح اسماعیل قرار گرفت و سید هاشم بحرانی (م ۱۱۰۷) در تفسیر البرهان فی تفسیر القرآن و حویزی (م ۱۱۱۲) در تفسیر نور الثقلین، محدث جزائری (م ۱۱۱۲) در کتاب التور المبین فی قصص الأنبياء و المرسلين این تأویل را پذیرفته‌اند، اما هیچ تحلیلی در این مورد بیان نکرده‌اند.

در نوشتار حاضر ضمن تأکید بر دستاورد و نقاط قوت پژوهش‌های پیشین و پاسداشت فضل تقدم آنان، تلاش شده است، ضمن تأیید این نظریه، تحقیقی جامع همراه با بررسی موضوع و تحلیل آن که هیچ کدام از تحقیقات نامبرده بدین شکل به بررسی موضوع نپرداخته‌اند، بازخوانی مجدد و کاملی از موضوع ارائه گردد، تلاشی که به‌نظر می‌رسد تاکنون به انجام نرسیده است.

#### ب) حضرت ابراهیم<sup>ع</sup> و اسماعیل<sup>ع</sup> در قربانگاه عشق

به‌گفته جمعی از مفسران، خواب عجیب و شگفتانگیز ابراهیم<sup>ع</sup> بیانگر شروع یک آزمایش بزرگ در مورد این پیامبر عظیم الشان است، در خواب می‌بیند که از سوی خدای متعال به او دستور داده شد تا فرزند یگانه‌اش را با دست خود سر بریده و قربانی کند. حضرت می‌دانست که خواب پیامبران واقعیت داشته و از وسوسه‌های شیطانی دور است، اما تکرار آن در دو شب دیگر بر لزوم این امر و فوریت آن تأکید داشت.

حضرت ابراهیم<sup>ع</sup> باید قبل از هر چیز فرزند را آماده این کار کند، لذا به او گفت: فرزندم من در خواب دیدم که باید تو را ذبح کنم، بنگر نظر تو چیست؟ «فَلَمَّا بَأْتَهُ مَعَهُ السَّعْيَ قَالَ يَا بُنَيَّ إِنِّي أَرَى فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ فَانْظُرْ مَاذَا تَرَى». (صفات / ۱۰۲) فرزندش با آغوش باز و طیب خاطر از این فرمان الهی استقبال کرد و با صراحة و قاطعیت گفت: پدرم هر دستوری به تو داده شده، اجرا کن «قَالَ يَا أَبَّتِ افْعَلْ مَا تُؤْمِنُ». (صفات / ۱۰۳) و از ناحیه من فکر تو راحت باشد که به خواست خدا مرا از صابران خواهی یافت. «سَتَجْدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ». (صفات / ۱۰۳)

فرزند به پدر گفت: «پدرم ریسمان را محکم بیند تا هنگام اجرای فرمان الهی دست و پا نزنم، می‌ترسم از پاداشم کاسته شود! پدرجان کارد را تیز کن و با سرعت بر گلویم بگذران تا تحملش بر من آسانتر باشد! پدرجان ابتدا پیراهن را از تن بیرون کن که به خون آلوده نشود؛ چراکه بیم دارم اگر مادرم

آن را ببیند عنان صبر از کفش بیرون رود. آنگاه افزود: سلام را به مادرم برسان و اگر مانع ندیدی پیراهن را برایش ببر که باعث تسلي خاطر و تسکین دردهای او است. قرآن می‌گوید: هنگامی که هر دو تسليم و آماده شدن و ابراهیم جین فرزند را بر خاک نهاد «فَلَمَّا أَشْلَمَا وَتَلَّهُ لِلْجَنِينِ». (همان / ۱۰۳) ابراهیم صورت فرزند را بر خاک نهاد و کارد را به حرکت در آورد و باسرعت و قدرت بر گلوی فرزند گزارد، اما کارد برنده در گلوی لطیف فرزند کمترین اثری نگذاشت!

قرآن می‌فرماید: «وَنَادَيَاهُ أَنَّ يَا إِبْرَاهِيمُ؛ قَدْ صَدَقْتَ الرُّؤْيَا؛ إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ؛ إِنَّ هَذَا لَهُ الْبَلَاءُ الْمُبِينُ؛» (صفات / ۱۰۶ – ۱۰۴) در این هنگام او را ندا دادیم که ای ابراهیم. آنچه در خواب ماموریت یافته انجام دادی. ما این گونه نیکوکاران را پاداش می‌دهیم. این مسلمًاً امتحان مهم و آشکاری است».

اما برای اینکه برنامه ابراهیم ناتمام نماند و در پیشگاه خدا قربانی کرده باشد و آرزوی ابراهیم برآورده شود، خدا قوچی بزرگ فرستاد تا به جای فرزند قربانی کند و سنتی برای آیندگان در مراسم حج و سرزمین منی از خود بگذارد، چنان که قرآن می‌فرماید: «وَفَدَيْنَاهُ بِذِيْجَ عَظِيْمِ؛ مَا ذِيْجَ عَظِيْمِ را فدای او کردیم.» (صفات / ۱۰۷؛ طبری، ۱۳۸۷ / ۱: ۳۷۵ – ۳۷۸؛ ابن‌اثیر، ۱۳۸۵ / ۱: ۱۱۳ – ۱۱۱)

در اینکه عظمت این ذبح از چه نظر بود؟ از نظر جسمانی و ظاهری یا از جهت اینکه فدای فرزند ابراهیم شد یا از نظر اینکه برای خدا و در راه خدا بود یا به این خاطر که این قربانی از سوی خدا برای ابراهیم فرستاده شد، مفسران گفتگوهای فراوانی دارند، اما هیچ مانع ندارد که تمام این جهات در ذبح عظیم جمع و از دیدگاه‌های مختلف دارای عظمت باشد. یکی از نشانه‌های عظمت این ذبح آن است که با گذشت زمان سال به سال وسعت بیشتری یافته، و الان در هر سال بیش از یک میلیون نفر به یاد آن ذبح عظیم قربانی می‌کنند و خاطره‌اش را زنده نگه می‌دارند.

«فَدِينَا» از ماده «فدا» در اصل به معنای قرار دادن چیزی به عنوان بلاگردان و دفع ضرر از شخص یا چیز دیگر است. (طریحی، ۱۳۷۵ / ۲: ۳۴۹) در اینکه این قوچ بزرگ چگونه به ابراهیم عليه السلام داده شد بسیاری معتقدند جبرئیل آورد، بعضی نیز گفته‌اند از دامنه کوه‌های منی سرازیر شد، هر چه بود به فرمان خدا و به اراده او بود.

نه تنها خدای متعال پیروزی ابراهیم را در این امتحان بزرگ در آن روز ستود، بلکه خاطره آن را جاویدان ساخت، چنان که در آیات بعد می‌فرماید: «وَتَرَكْنَا عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ؛ سَلَامٌ عَلَى إِبْرَاهِيمَ؛ كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ؛» (صفات / ۱۱۰ – ۱۱۰) ما نام نیک ابراهیم را در امتهای بعد باقی و برقرار ساختیم. «سلام بر ابراهیم» آن بنده مخلص و پاکباز باد. آری، ما این گونه نیکوکاران را پاداش می‌دهیم. (مجلسی، ۱۳۸۴ / ۱: ۴۰۹ – ۴۰۲؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۱۱۸ – ۱۰۹)

### ج) چیستی ذبح عظیم

ترکیب «ذبح عظیم»، در لغت به معنای ذبیح یا مذبوح بزرگ و بزرگوار است. (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۲ / ۴۳۶ - ۴۳۷) این ترکیب وصفی تنها یک بار در قرآن مجید به کار رفته است:

وَفَدَيْنَاهُ بِذِبْحٍ عَظِيمٍ. (صفات / ۱۰۷)

به عوض او، ذبح عظیمی را پذیرفتیم.

در تفسیر این آیه شریفه، تقریباً همه مفسران بر این باورند که فدیه اسماعیل گوسفندی بود که از عالم غیب و بهشت رسید. آیا می‌توان پذیرفت که قربانی شدن گوسفندی با تعبیر شگفت‌آور «ذبح عظیم» مطرح شود؟ در قرآن وصف «عظیم» در چند مورد بیشتر به کار برده نشده است؛ برای خدا: «بِرَبِّكُمْ عَظِيمٌ»، (اعراف / ۱۴۱؛ ابراهیم / ۶) برای قیامت: «نَبَأُ عَظِيمٍ». (ص / ۶۷) برای عرش خداوند «الْعَرْشُ الْعَظِيمٌ». (توبه / ۱۲۹؛ مومون / ۸۶؛ نمل / ۲۳ و ۲۶) و برای اخلاق پیامبر اکرم ﷺ: «وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ». (قلم / ۴) آیا قربانی کردن گوسفند می‌تواند ذبح عظیم باشد؟

به نظر می‌رسد برخی از عالمان و مفسران با چنین پرسشی در ذهن خود مواجه شده‌اند؛ چگونه قربانی کردن گوسفند، ذبح عظیم است؟ در این باره در روایات، تأویلات گوناگونی ذکر شده است. ماوردي (۴۵۰ ق) در تفسیر النکت و العيون به پنج روایت یا تأویل اشاره می‌کند، از جمله: گوسفند مورد قبول خدا بود، موجب برکت بود، از بهشت آمده بود و جشه‌ای عظیم داشت. (ماوردي، ۵ / ۶۳ - ۶۴) دیگر مفسران نیز بر همین نکات تأکید کرده‌اند. سخنی که مورد پذیرش بیشتر مفسران است، تأکید بر این نکته است که گوسفند بهشتی بود.

یا اینکه چون گوسفند از سوی خدا فرستاده شده است، عظیم بود. زمخشری (م ۵۳۸ ق) زمخشری در اهمیت گوسفند، از ابن عباس نقل می‌کند:

همان گوسفندی بود که هابیل قربانی کرده بود؛ در بهشت نگهداری می‌شد تا فدای اسماعیل شود. (زمخشری، ۴ / ۱۴۰۷؛ ۵۵ / ۴)

فخر رازی (۶۰۶ ق) نیز درباره «عظیم» دو قول را مطرح کرده است. یکم: نقل سعید بن جبیر؛ آن گوسفند چهل پاییز در بهشت بوده است و به خوبی پروار شده بود، از این‌رو خداوند واژه عظیم را برای او به کار برده است. دوم: نقل سدی؛ از آن جهت که آن گوسفند فدای اسماعیل شد، عظیم خوانده شده است. (رازی، ۱۴۲۰ / ۲۶؛ ۳۵۱)

قرطبی بر قول دوم رازی تأکید می‌ورزد. (قرطبی، ۱۳۶۴: ۱۵ / ۱۰۷)

ابن کثیر (۷۷۴ ق) بر گوسفند و ویژگی‌های آن تأکید می‌نماید. از جمله اینکه پشم گوسفند قرمز بوده است و جریر نامیده شده بود. (ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۷ / ۲۷)

بغوی (۵۱۶ ق) در معالم التنزیل، برای نشان دادن ویژگی فوق العاده گوسفند، چنین آورده است: هنگامی که قرار شد گوسفند به جای اسماعیل قربانی شود، ابراهیم، اسماعیل، جبرئیل و گوسفند، همگی تکبیر گفتند. (بغوی، ۱۴۲۰: ۴ / ۳۹)

بیضاوی (۶۸۵ ق) در انوار التنزیل، سه ویژگی را بیان کرده است. یک. گوسفند جثه‌ای عظیم داشت. دو. از آن رو که فدای اسماعیل شد، عظیم بود. سه. آن گوسفند از بهشت آمده بود. (بیضاوی، ۱۴۱۸: ۵ / ۱۶) ابن عطیه (۵۴۶ ق) در تفسیر المحرر الوجیز، روایت کرده است که گوسفند ویژه‌ای بود، نه از نسل گوسفندان دیگر. (بغوی، ۱۴۲۰: ۴ / ۳۹)

طبعی (۴۲۷ ق) در الكشف والبيان می‌نویسد: گوسفند قربانی نسبت به دیگر گوسفندان عظیم بود. (طبعی، ۱۴۲۲: ۸ / ۱۵۷)

این اقوال نشان‌دهنده آن است که مفسران برای تبیین صفت عظیم، اقوالی را روایت کرده‌اند که گوسفند را در موقعیتی فراتر قرار می‌دهد.

طبرسی (۵۴۸ ق) در تفسیر مجمع البيان می‌نویسد: عظیم، صفت اسماعیل است و نه گوسفند، گوسفند در حقیقت فدای انسانی عظیم شد. این توجیه یا تفسیر، گرچه مناسب‌تر به نظر می‌رسد و صفت عظیم را از اختصاص آن به گوسفند منصرف می‌کند، اما با سیاق آیه ناسازگار است. عظیم صفت ذبح؛ یعنی مذبح است و نه صفت اسماعیل. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۸ / ۷۰۹ - ۷۰۸)

فتح‌الله کاشانی در بیانی به بیشتر این اقوال اشاره کرده است:

«وَفَدَيْنَاهُ» وَفَدَا دادیم اسماعیل را «بِذِبْحٍ» به آنچه او را ذبح کنند «عَظِيمٍ» بزرگ از حیثیت جته یا به اعتبار مرتبه و منزلت چه مرسل آن ملک جلیل بود و رسول جبرئیل و مرسل‌الیه ابراهیم خلیل و بعضی گفته‌اند که عظمت آن از حیثیت آن بود که چهل سال در بهشت چرا کرده بود و یا به سبب آنکه آن کبشی بود که هابیل در راه خدای تعالی قربان کرده بود و می‌تواند که «عَظِيمٍ» صفت موصوف محدود باشد؛ یعنی «بِذِبْحٍ عَبْدٌ عَظِيمٌ» پس در این هنگام عظیم صفت اسماعیل باشد نه فدای او و محمد بن مسلم از امام محمد باقر علیه السلام نقل کرده که آن گوسفند سیاه و سفید و شاخدار بود که از آسمان بر کوهی که در جانب راست مسجد منی در مقابل جمره وسطی، فروود آمد و گوسفندی فربه بود که در سایه خود راه رفته و در آن می‌خوابید و می‌چرید و بول و سرگین می‌کرد. (کاشانی، ۱۳۷۸: ۸ - ۹)

برخی گفته‌اند:

ذبح عظیمی که فدای اسماعیل شد، قوچی بود که جبرئیل عليه السلام آن را از آسمان آورد؛ قوچی که از مادر تولد نیافته، بلکه با فرمان «کن» ایجاد شده بود. بعضی آن را بز کوهی دانسته‌اند. گفته می‌شود در صدر اسلام سر این قربانی به صورت خشک شده، کنار ناوادان کعبه آویزان بوده است. وصف آن به عظیم، بهدلیل آن است که از ناحیه خدای سبحان بوده و فدای ذبح قرار گرفته یا بهدلیل پذیرفته شدن آن در درگاه خدا یا چریدن در بهشت است. (مرکز فرهنگ و معارف قرآن، ۱۳۸۲: ۱ / ۵۳۲ و ۵۳۳)

صاحب تفسیر المیزان، دو نکته را بیان کرده است. یکی آنکه عظمت در آن بود که گوسفند از سوی خدا آمده بود و دوم آنکه فدای اسماعیل شد. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۷ / ۱۵۳) غالب مفسران شیعه و اهل سنت در اینجا گفته‌اند که مراد از «ذبح عظیم»، «کبش» (قوچ) است و به گفته علامه طباطبایی چون این ذبح به امر الهی است «عظیم» نامیده شده است؛ و گرنه خود ذبح، فی نفسه عظیم نبوده است.

#### (د) نکاهی دیگر در تفسیر آیه شریفه

بعضی از مفسران شیعه از جمله محمدحسن فیض کاشانی در تفسیر صافی (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ / ۴: ۲۷۹) سید هاشم بحرانی در تفسیر البرمان (بحرانی، ۱۴۱۵: ۴ / ۶۱۸ - ۶۱۹) حوزی در تفسیر سور الثقلین (حوزی، ۱۴۱۵: ۴ / ۴۲۹ - ۴۳۰) و مجلسی در بحار الانوار (مجلسی، ۱۳۹۶: ۴۴ / ۲۲۵ - ۲۲۶) بر اساس حدیث ذیل که در عیون اخبار الرضا عليه السلام روایت شده، نقل کرده‌اند که در اینجا مراد از «ذبح عظیم» امام حسین عليه السلام است که از ذریه حضرت ابراهیم عليه السلام است و او قربانی عظیمی بود که جانشین ذبح اسماعیل عليه السلام قرار گرفت.

درواقع این روایت می‌تواند تأویل آیه شریفه باشد:

فَضَلِّلْ بْنِ شَادَانَ قَالَ سَمِعْتُ الرِّضَا عليه السلام يَقُولُ لَمَّا أَمْرَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِبْرَاهِيمَ عليه السلام أَنْ يَذْبَحَ مَكَانَ ابْنِهِ إِسْمَاعِيلَ الْكَبِيسَ الَّذِي أَنْزَلَهُ عَلَيْهِ تَكْنَى إِبْرَاهِيمَ عليه السلام أَنْ يَكُونَ قَدْ ذَبَحَ ابْنَهُ إِسْمَاعِيلَ بِيَدِهِ وَأَنَّهُ لَمْ يُؤْمِرْ بِذَبْحِ الْكَبِيسِ مَكَانَهُ لِيُرْجِعَ إِلَيْ قَلْبِ الْوَالِدِ الَّذِي يَذْبَحُ أَعْرَأَ وُلْدَهُ عَلَيْهِ بِيَدِهِ فَيَسْتَحِقُّ بِذَلِكَ أَرْقَعَ دَرَجَاتِ أَهْلِ السَّوَابِ عَلَيِ الْمَصَائِبِ فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهِ يَا إِبْرَاهِيمُ مَنْ أَحَبَّ حَلْقِي إِلَيْكَ فَقَالَ يَا رَبِّ مَا حَلَقْتَ حَلْقًا هُوَ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ حَبِّكَ

مُحَمَّدٌ ﷺ فَأَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَيْهِ أَفْهُو أَحَبُّ إِلَيْكَ أَمْ نَفْسُكَ قَالَ بَنْ هُوَ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ نَفْسِي قَالَ فَوْلَدْهُ أَحَبُّ إِلَيْكَ أَمْ وُلْدُكَ قَالَ بَنْ وُلْدُهُ قَالَ فَذَبْحُ وُلْدِهِ ظُلْمًا عَلَيْ أَيْدِي أَعْذَاثِهِ أَوْجَعَ لِقَلْبِكَ أَوْ ذَبْحُ وُلْدِكَ بِيَدِكَ فِي طَاعَتِي قَالَ يَا رَبِّ بَنْ ذَبْحُ وُلْدِهِ ظُلْمًا عَلَيْ أَيْدِي أَعْذَاثِهِ أَوْجَعَ لِقَلْبِي قَالَ يَا إِبْرَاهِيمُ فَإِنَّ طَائِفَةً تَرْعُمُ أَنَّهَا مِنْ أُمَّةِ مُحَمَّدٍ سَقَطَتُ الْحُسَيْنَ ابْنَهُ مِنْ بَعْدِهِ ظُلْمًا وَ عُدُوانًا كَمَا يُذْبِحُ الْكَبَشُ وَ يَسْتَوْجِبُونَ بِذَلِكَ سَخْطِي فَجَزَعَ إِبْرَاهِيمٌ ﷺ لِذَلِكَ وَ تَوَجَّحَ قَبْلُهُ وَ أَقْبَلَ يَبْكِي فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَيْهِ يَا إِبْرَاهِيمُ قَدْ فَدَيْتُ جَرَعَكَ عَلَى ابْنِكَ إِسْمَاعِيلَ لَوْذَبَحْتَهُ بِيَدِكَ بِجَزِيعَكَ عَلَيِ الْحُسَيْنِ وَ قَتَلَهُ وَ أَوْجَبْتُ لَكَ أَرْقَعَ دَرَجَاتِ أَهْلِ التَّوَابِ عَلَيِ الْمَصَائِبِ وَ ذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ فَدَنِيَاهُ بِذَبْحٍ عَظِيمٍ. (صدوق، ۱۳۶۲: ۱ / ۵۸ - ۵۹؛ ۱۴۰۴: ۱ / ۲۰۹؛ همو، ۱۳۹۶: ۴۴ / ۲۲۶ - ۲۲۵؛ مجلسی، ۱۴۰۴: ۱۲۹)

فضل بن شاذان گفت: شنیدم از حضرت رضا<sup>ع</sup> که فرمود: حق تعالی به ازای ذبح اسماعیل قوچی را فرستاد تا به جای او ذبح شود، حضرت ابراهیم<sup>ع</sup> آرزو کرد؛ کاش می شد فرزندش را به دست خود ذبح کند و مأمور به ذبح گوسفند نمی شد تا به سبب درد و مصیبتی که از این راه به دل و جان او وارد می شود، مصیبت پدری باشد که عزیزترین فرزندش را به دست خود در راه خدا ذبح کرده تا از این طریق بالاترین درجات اهل ثواب در مصیبتهای را به دست آورد. در این میان خطاب وحی از خدای متعال به ابراهیم<sup>ع</sup> رسید که محبوبترین مخلوقات من نزد تو کیس؟. حضرت<sup>ع</sup> عرضه داشت: هیچ مخلوقی پیش من محبوب تر از حبیب تو محمد<sup>صلی الله علیه و آله و سلم</sup> نیست. پس وحی آمد که آیا او را بیشتر دوست داری یا خودت را، ابراهیم<sup>ع</sup> گفت: او پیش من از خودم محبوب تر است. خدای متعال فرمود: فرزند او را بیشتر دوست داری یا فرزند خود را ابراهیم<sup>ع</sup> عرض کرد: فرزند او را بیشتر دوست دارم.

پس حق تعالی فرمود: آیا ذبح فرزند او امام حسین<sup>ع</sup> به دست دشمنان از روی ستم، بیشتر دل تو را می سوزاند یا ذبح فرزند خودت به دست خودت در اطاعت من! عرض کرد: پروردگار!! ذبح او به دست دشمنان بیشتر دلم را می سوزاند. در این هنگام خدا خطاب کرد: ای ابراهیم! به یقین جمعی که خود را از امت محمد<sup>صلی الله علیه و آله و سلم</sup> می شمارند، فرزند او حسین<sup>ع</sup> را از روی ظلم و ستم و با عداوت و دشمنی، ذبح خواهند کرد، همان گونه که گوسفند را ذبح می کنند و به این سبب مستوجب خشم و عذاب من می گرددند.

ابراهیم<sup>ع</sup> از شنیدن این خبر جانکاه، ناله و فریاد بر آورد و قلب و جان او به درد آمد و

بسیار گریه نمود و دست از گریه بر نمی‌داشت تا اینکه وحی از جانب پروردگار جلیل رسید: «ای ابراهیم! گریه تو بر فرزندت اسماعیل اگر او را به دست خود ذبح می‌کردد، فدا کردم به گریه‌ای که تو بر حسین<sup>علیه السلام</sup> و شهادتش کردی و بدین سبب بالاترین درجات اهل ثواب در مصیبت‌ها را به تو دادم. در پایان امام رضا<sup>علیه السلام</sup> فرمود: این است مفهوم قول خداوند عز وجل؛ «وَفَدَيْنَاهُ بِذِبْحٍ عَظِيمٍ».

این حدیث معتبر از امام رضا<sup>علیه السلام</sup> افزون بر اینکه بر مصاديق دیگر ذبح عظیم، صحّه نهاده، آیه شریفه «وَفَدَيْنَاهُ بِذِبْحٍ عَظِيمٍ» را از انحصار در یک مصدق ظاهری، عظیم، بیرون آورده و یک معنای دقیق عرفانی و ملکوتی ارائه کرده و سالار شهیدان را به عنوان ذبح عظیم معرفی نموده است. در ضمن این روایت دلیلی بر جایگاه والای امام حسین<sup>علیه السلام</sup> است که او را از نظر مقام بالاتر و برتر از انبیاء گذشته حتی پیامبران اولوا العزم دانسته است. (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ / ۴ - ۲۸۰ / ۴ - ۲۷۹؛ مجلسی، ۱۳۹۶: ۴۴ / ۲۲۵ - ۲۲۶)

شواهدی این تأویل را تأیید می‌کند: در «وفدینا بذبح عظیم»، واژه عظیم صفت یک امر مهم است؛ اگر مراد گوسفند باشد از نظر ادبی باید می‌فرمود «ذبح کریم» نه «ذبح عظیم». مقصود از ذبح عظیم نمی‌تواند گوسفند باشد، زیرا اسماعیل کجا و گوسفند کجا که به هر مناسبتی ذبح می‌شود، اساساً حیوان را نمی‌شود با انسان مقایسه نمود. ذبح الله بودن از برترین مقامات است کسی باید ذبح شود که مقام برتری داشته باشد و قطعاً مقام امام حسین<sup>علیه السلام</sup> برتر از حضرت اسماعیل<sup>علیه السلام</sup> است.

بیان امام رضا<sup>علیه السلام</sup> و تفسیر برخی مفسران، از ذبح عظیم، دریچه و افقی را می‌گشاید، که بی‌تردید تفسیر و تأویل گوسفند قربانی با همه بزرگی که برایش روایت کرده‌اند، نخواهد داشت. تأویل «ذبح عظیم» به امام حسین<sup>علیه السلام</sup> آیه را تا عمق جان انسان نفوذ می‌دهد و تفسیر و تأویل گوسفند، همچنان با سؤال و چالش جدی مواجه است.

قربانی شدن اسماعیل توسط ابراهیم، نشان از عشق عمیق ابراهیم نسبت به خدای متعال بوده است که حقیقت این عشق، در کربلا و عاشورا آشکار می‌شود.

حدیث «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: حُسَيْنٌ مِّنِّي وَ أَنَا مِنْ حُسَيْنٍ، أَحَبَّ اللَّهُ مَنْ أَحَبَّ حُسَيْنًا، حُسَيْنٌ سَبْطُ مِنْ الْأَسْبَاطِ. (ابن حنبل، ۱۴۱۶: ۲۹ / ۱۰۳؛ ابن ماجه، ۱۴۱۸: ۱ / ۱۵۲؛ ترمذی، ۱۴۱۹: ۵ / ۴۷۵؛ مجلسی، ۱۳۹۶: ۴۳ / ۲۹۶) در منابع روایی شیعه و سنی به تواتر از «یعلی بن مرّة» یکی از اصحاب پیامبر<sup>صلی الله علیه و آله و سلم</sup> نقل شده است.

او می‌گوید:

روزی با پیامبر ﷺ به یک میهمانی دعوت شده بودیم؛ در حالی که در کوچه می‌رفتیم، حسین علیه السلام را در حال بازی دیدیم. پیامبر ﷺ از همراهانش جلوتر رفت و دستانش را گشود تا او را بگیرد، اما حسین علیه السلام فرار کرد و این طرف و آن طرف می‌رفت و پیامبر ﷺ به او می‌خندید، تا اینکه او را گرفت؛ پس یکی از دستانش را زیر چانه و دیگری را پشت سرش قرار داد و او را می‌بوسید و می‌گفت: حسین از من است و من از حسینم؛ کسی که حسین را دوست بدارد، خدا او را دوست دارد ... .

بی‌شک حسین علیه السلام فرزند پیامبر ﷺ و از نسل آن حضرت است و او شاخه‌ای از درخت نبوت بهشمار می‌آید اما منظور آن حضرت که فرمود: «من از حسینم» چیست؟

برخی می‌گویند: پیامبر ﷺ پس از میعوث شدن به رسالت، حیات او به رسالت و بقای آن و حیات رسالت نیز به حیات او وابسته شد و چون حسین علیه السلام زنده ماندن رسالت محمدی بسیار کوشید حتی عزیزترین کسانش را در این راه قربانی کرد، رسالت از او جانی دوباره گرفت و استمرار یافت؛ از این‌رو پس از جریان کربلا ثابت شد؛ «الاسلام محمدیُ الْحَدُوثُ حَسِينيُ الْبَقاء»؛ اسلام توسط پیامبر ﷺ به وجود آمد و توسط حسین علیه السلام باقی ماند. (جالالی، ۱۳۷۳: ۳۱ - ۳۰)

بنابراین پیامبر ﷺ در این حدیث، مسئله دقیق‌تر و بالاتر از رابطه نسبی را بیان کرده است؛ حسین از اوست؛ زیرا روح او را در بردارد و آنچه حسین علیه السلام برای حفظش از تمام هستی خود مایه گذاشت، چیزی جز حیات و حقیقت رسالت؛ یعنی اسلام ناب محمدی نبود. (قرشی، ۱: ۱۳۹۴ / ۹۴)

چنانکه ذکر شد ذبح گوسفند بهشت و یا تمام قربان‌های منی بهجای اسماعیل اگرچه صحیح و عظیم است اما این تمام حقیقت نیست و خدای متعال در عالم انسانی و از نوع بشر نیز قربانی‌ای را بهجای اسماعیل علیه السلام قرار داد و او را به عنوان برترین ذبح راه حق و حقیقت برگزید که باید دین اسلام به عنوان برترین دین آسمانی از خون او که خون خدا و ثار الله است، آییاری می‌شد تا بتواند تا قیامت چراغ هدایت امت باشد. این انسان برتر از انبیا و فرشتگان، سید و سالار شهیدان و مظلوم کربلا حسین بن علی علیه السلام است که ذبح اعظم خدا است.

این حدیث معتبر از امام رضا علیه السلام افزون بر اینکه بر مصاديق دیگر ذبح عظیم صحه نهاده، آیه شریفه «وَقَدَّيْنَا بِذِبْحٍ عَظِيمٍ» را از انحصار در یک مصدق ظاهری بیرون آورده و یک معنای دقیق عرفانی و ملکوتی ارائه کرده و سالار شهیدان را به عنوان ذبح عظیم معرفی نموده است.

برای تبیین مفهوم جمله «أَنَا مِنْ حَسِينٍ» با توجه به جریان ذبح حضرت اسماعیل عَلَيْهِ السَّلَامُ که در آیات ۱۰۱ تا ۱۰۷ سوره صافات بیان شده و در صدر این پژوهش نیز ذکر گردید؛ به نظر می‌رسد تأویل و باطن این نظریه این‌گونه باشد که حضرت ابا عبدالله الحسین عَلَيْهِ السَّلَامُ در نشأه عالم ذر<sup>۱</sup> در معرض آزمون الهی قرار گرفته و قبول نمود که برای احیاء، بقا و استمرار دین جدش رسول گرامی اسلام عَلَيْهِ السَّلَامُ به تکلیف خود عمل کرده و در کربلا از همه چیز خود بگذرد و در راه باری تعالیٰ قربانی شود، لذا خدای متعال به خاطر این اخلاص، جانفشانی و فداکاری، از قربانی شدن اسماعیل درگذشت.

### نتیجه

پژوهش حاضر، ضمن بیان دیدگاه اندیشمندان و مفسران در باره مفهوم «ذبح عظیم» در آیه «وَفَدَيْنَاهُ بِذِبْحٍ عَظِيمٍ» مبنی بر اینکه غالب مفسران قرآن بر این باورند که فدیه اسماعیل، گوسفندی از عالم غیب و بهشت بود که فدای اسماعیل شد و برای تبیین مسئله به توجیهات و تأویلات مختلفی دست یازیدند اما بررسی انجام گرفته در نوشتار حاضر، یافته‌های زیر را به دست می‌دهد:

- ذبح‌الله مقامی الهی و از برترین مقامات و مقام قربانی باید بالاتر باشد و جایگاه امام حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ از نظر فضیلت و مقام، برتر از حضرت اسماعیل عَلَيْهِ السَّلَامُ است.

- صفت عظیم، در آیه «وَفَدَيْنَاهُ بِذِبْحٍ عَظِيمٍ» نمی‌تواند به گوسفند تعلق گیرد؛ زیرا از نظر ادبی باید می‌فرمود «ذبح کَرِيمٌ» نه «ذبح عَظِيمٌ» همچنین مقایسه بین انسان با حیوان صحیح نیست، چه رسد به اینکه بین حجت خدا و گوسفند مقایسه صورت پذیرد.

- برای تبیین این موضوع به نظر می‌رسد منظور از اینکه پیامبر گرامی اسلام عَلَيْهِ السَّلَامُ می‌فرماید: وجود من به برکت وجود امام حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ است «حُسَيْنٌ مِنِّي وَأَنَا مِنْ حُسَيْنٍ» این باشد که امام حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ در عالم ذر قربانی شدن به جای جدش حضرت اسماعیل عَلَيْهِ السَّلَامُ را قبول کرد، از این‌رو، خدای متعال از قربانی شدن حضرت اسماعیل عَلَيْهِ السَّلَامُ جد اعلای نبی مکرم اسلام عَلَيْهِ السَّلَامُ درگذشت.

۱. عالم «ذر» یا عالم «اللَّسْتُ» یکی از جهان‌های آفرینش است که در قرآن و روایات به آن اشاره شده است. بر اساس تفاسیر رایج میان دانشمندان اسلامی، این عالم که مربوط به دوران پیش از خلقت آدم یا همزمان با خلقت اوست، عالمی بوده که در آن تمام انسان‌هایی که مقرر بوده تا روز قیامت به دنیا بیایند به صورت ذره در آنجا گرد آورده شدند. «وَإِذَا خَدَ رَئِيكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ طُهُورِهِمْ ذُرِيَّتَهُمْ وَأَشَهَدَهُمْ عَلَى أَنْفُسِهِمْ أَلَّسْتَ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَى شَهَدْنَا أَنْ تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ» (اعراف / ۱۷۲، ر.ک: طبرسی، ۱۳۷۲: ۴ / ۷۶۷ - ۷۶۴؛ حویزی، ۱۴۱۵: ۲ / ۹۲ - ۱۰۱؛ طباطبائی، ۱۳۹۰ / ۸ - ۳۳۱ / ۳۰۶)

### منابع و مأخذ

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه، گردآوری سید رضی، تصحیح صبحی صالح، قم، دار الهجرة.
- ابن اثیر، عز الدین أبوالحسن علی بن أبي الکرم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دار صادر.
- ابن حنبل، احمد بن محمد، ۱۴۱۶ ق، مستند الإمام أَحْمَدُ بْنُ حَنْبَلٍ، بیروت، مؤسسه الرسالة.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، ۱۴۱۹ ق، تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دار الكتب العلمیة.
- ابن ماجه، محمد بن یزید، ۱۴۱۸ ق، سنن ابن ماجه، بیروت، دار الجیل.
- ابن منظور، ۱۴۱۴ ق، لسان العرب، بیروت، دار صادر.
- بحرانی، سید هاشم، ۱۴۱۵ ق، البرهان فی تفسیر القرآن، قم، مؤسسه البعثة
- بغوى، حسین بن مسعود، ۱۴۲۰ ق، تفسیر البغوى المسمی معالم التنزیل، بیروت، دار إحياء التراث العربي.
- بیضاوی، عبدالله بن عمر، ۱۴۱۸ ق، أنوار التنزیل وأسرار التأویل، بیروت، دار إحياء التراث العربي.
- ترمذی، محمد بن عیسی، ۱۴۱۹ ق، الجامع الصھیح و هو سنن الترمذی، قاهره، دار الحدیث.
- ثعلبی، احمد بن محمد، ۱۴۲۲ ق، الكشف و البيان، بیروت، دار إحياء التراث العربي.
- جلالی، سید محمد رضا، ۱۳۷۳ ش، الامام الحسین ﷺ سماته و سیرته، قم، دار المعروف.
- حویزی، عبدالعلی بن جمعه، ۱۴۱۵ ق، تفسیر نور الثقلین، تحقيق سید هاشم رسولی محلاتی، قم، اسماعیلیان.
- زمخشّری، محمود بن عمر، ۱۴۰۷ ق، الكشاف عن حقائق غواصیں التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل، بیروت، دار الكتاب العربي.
- صدوق، محمد بن علی، ۱۳۶۲، الخصال، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- صدوق، محمد بن علی، ۱۴۰۴ ش، عیون اخبار الرضا ﷺ، بیروت، مؤسسه الأعلمی.
- طباطبایی، سید محمد حسین، ۱۳۹۰ ق، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسه الأعلمی.
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲، مجتمع البيان لعلوم القرآن، تهران، ناصر خسرو.
- طبری، محمد بن جریر، ۱۳۸۷ ق، تاریخ الامم و الملوك، بیروت، دار التراث.
- طریحی، فخر الدین، ۱۳۷۵، مجتمع البحرين، تهران، مکتبه المرتضویه.
- رازی، فخر الدین محمد بن عمر، ۱۴۲۰ ق، التفسیر الكبير (مفاتیح الغیب)، بیروت، دار إحياء التراث العربي.
- فیض کاشانی، محمد محسن، ۱۴۱۵ ق، تفسیر الصافی، تهران، مکتبة الصدر.
- قرطبی، محمد بن احمد، ۱۳۶۴ ، الجامع لأحكام القرآن، تهران، ناصر خسرو.

- قرشی، باقر، ۱۳۹۴ ق، حیاة الامام الحسین علیه السلام، نجف الشرف، نشر الادب.
- کاشانی، فتح الله، ۱۳۷۸، منهج الصادقین، تصحیح علی اکبر غفاری، تهران، دار الكتب الاسلامیة.
- ماوردی، علی بن محمد، بی تا، النکت و العیون، بیروت، دار الكتب العلمیة.
- مجلسی، محمدباقر، ۱۳۹۶ ق، بحار الانوار الجامعۃ للدرر أخبار الأئمۃ الأطہار علیهم السلام، تهران، المکتبه الاسلامیه.
- ———، ۱۳۸۴، حیاة القلوب، قم، سرور.
- جزائری، سید نعمت الله، ۱۴۰۴ ق، النور المبین فی قصص الأنبياء و المرسلین، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
- مرکز فرهنگ و معارف قرآن، ۱۳۸۲، دائرة المعارف قرآن کریم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- مکارم شیرازی، ناصر، جمعی از نویسندها، ۱۳۷۱، تفسیر نمونه، تهران، دار الكتب الإسلامیة.

